

بررسی فقهی و حقوقی استرداد مجرمین در

فقه و حقوق جزایی ایران

مؤلف: پریسا پورفهادی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی



انتشارات کاوش هنر

سرشناسه : پورفرهادی، پریسا، ۱۳۶۲ -

عنوان قراردادی : ایران، قوانین و احکام

Iran. Laws, etc.

عنوان و نام پدیدآور : استرداد مجرمین در فقه و حقوق جزا/ مولف پریسا پورفرهادی.

مشخصات نشر : تهران: کاوش هنر، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۱۲۸ ص.

شابک : 978-600-16139-5-1

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : استرداد مجرمین

Extradition : موضوع

موضوع : استرداد مجرمین (فقه)

Extradition (Islamic law) : موضوع

موضوع : استرداد مجرمین - ایران

Extradition-- Iran : موضوع

رده بندی کنگره : ۱۰۰۵۵K

رده بندی دیویی : ۴۸۷/۴۱

شماره کتابشناسی ملی : ۸۰۳۴۶

آدرس انتشارات : تهران - خ انصاری - چاپخانه فدین - پلاک ۱۳۱۴ - طبقه سوم - واحد ۱۲ - نشر کاوش هنر

تلفن : ۶۶۴۹۰۲۶ - ۶۶۴۸۱۱۷۱

فروشگاه: خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران شماره ۱۳۱۶ انتشارات کاوش - تلفن ۶۶۴۰۱۵۹۵

عنوان کتاب: بررسی فقهی و حقوقی استرداد مجرمین در فقه و حقوق جزایی ایران

مولف: پریسا پور فرهادی

ناشر: انتشارات کاوش هنر

طراح جلد : حامد کاوش

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

حرفچینی، صفحه‌آرایی، لیتوگرافی، چاپ، صحافی: موسسه دیجیتال کاوش

شابک: 978-600-93161-5-1

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱۳	فصل اول:
۱۳	کلیات و مفاهیم استرداد مجرمان
۱۴	گفتار اول: مفهوم لغوی و اصطلاحی استرداد
۱۶	گفتار دوم: پیشینه تاریخی استرداد مجرمان
۱۶	بند اول: دوره‌ی باستان
۱۸	بند دوم: استرداد مجرمان در اسلام
۲۱	بند سوم: استرداد مجرمین در روم باستان
۲۲	بند چهارم: استرداد مجرمین در دوره‌ی معاصر
۲۳	بند پنجم: استرداد مجرمان در ایران
۲۵	گفتار سوم: منابع استرداد مجرمان
۲۵	بند اول: معاهدات استرداد مجرمان
۲۶	بند دوم: قوانین داخلی کشورها
۲۷	بند سوم: اصول کلی حقوقی
۲۷	بند چهارم: عرف و عادت بین‌المللی
۲۸	بند پنجم: شرط معامله‌ی متقابل
۲۸	گفتار چهارم: مبانی استرداد
۲۹	بند اول: معاهدات موجود بین دولتها
۲۹	بند دوم: قوانین داخلی کشورها

- ۳۰ بند سوم: اصول کلی حقوق
- ۳۰ بند چهارم: عرف و عادت بین المللی
- ۳۱ بند پنجم: شرط معامله متقابله
- ۳۳ فصل دوم:
- ۳۳ معاهدات و شرایط استرداد در قه و حقوق
- ۳۴ گفتار اول: معاهدات و آیین استرداد
- ۳۴ بند اول: آیین استرداد
- ۳۶ بند دوم: معاهدات استرداد
- ۳۷ گفتار دوم: شرایط استرداد
- ۳۷ بند اول: شرایط مربوط به شخص مورد استرداد
- ۴۰ بند دوم: شرایط مربوط به محل وقوع جرم
- ۴۰ بند سوم: شرایط مربوط به پناهندگان
- ۴۱ بند چهارم: شرایط مربوط به عمل ارتكابی
- ۴۲ بند پنجم: شرایط مجازات
- ۴۶ گفتار سوم: جرایم مستثنی از استرداد
- ۴۶ بند اول: قاعده عدم تسلیم تبعه
- ۴۸ بند دوم: جرایم سیاسی
- ۶۳ بند سوم: جرایم نظامی
- ۶۸ بند چهارم: اعمالی که در موقع جنگ و مخالف حقوق بین الملل ارتكاب شده است
- ۷۹ بند پنجم: جنایت تجاوز
- ۸۰ گفتار چهارم: جرایم مشمول استرداد
- ۸۰ بند اول: طرق تشخیص و تعیین جرائمی که مجرمین آن قابل استرداد هستند

۸۶	بند دوم: استرداد و تعدد جرم
۸۹	بند سوم: استرداد در شروع بجرم و معاونت در جرم
۹۰	فصل سوم:
۹۰	استرداد در فقه و قوانین ایران
۹۱	گفتار اول: دادرسی استرداد مجرمین
۹۱	بند اول: منابع و محتوای قواعد اداری
۹۲	بند دوم: روش شکلی ارائه درخواست استرداد
۹۸	بند سوم: قائده سه حقیق
۱۰۰	بند چهارم: رد دادرسی
۱۰۳	بند پنجم: رسیدگی به درخواست و اسناد مربوطه
۱۰۶	بند ششم: بازداشت موقت
۱۰۸	بند هفتم: قرارهای تأمین
۱۱۵	گفتار دوم: شرایط استرداد در فقه و قوانین ایران
۱۱۵	بند اول: دول ذینفع در استرداد
۱۱۸	بند دوم: شخص مورد تقاضای استرداد
۱۲۳	بند سوم: استرداد بطریق ترانزیت
۱۲۵	نتیجه گیری
۱۲۶	منابع

استرداد در لغت به معنی درخواست بازگردانیدن و بازدهی و پس فرستادگی و بازپس خواستن و تسلیم مجرم به دولت متبوع وی بر اثر تقاضا و تسلیم اوراق بایگانی در محکمه به کشور متقاضی می‌باشد. در اصطلاح حقوقی استرداد عبارت است از اقداماتی که بر اثر آن دولت‌ها متقابلاً افرادی را که به علت ارتکاب جرم تحت تعقیب مقامات قضائی دولتی فرار گرفته و یا محکوم شده‌اند و به قلمرو دولت دیگر فرار کرده‌اند موافق قواعد و شرایط خاصی به یکدیگر مسترد می‌دانند. دولتی که استرداد را تقاضا می‌کند، دولت متقاضی و دولتی که از او تقاضای استرداد می‌شود دولت متقاضی‌عنه نامیده می‌شود. (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۲۶۳)

به عبارت دیگر، در اصطلاح حقوقی، به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای برگردانیدن بزهکار از کشور محل سکونت به کشور مبدأ وقوع جرم صورت می‌گیرد. استرداد موجب می‌شود که اجرای مجازات تبهکار حتمی شود بدون تعده، آئین و شرایط استرداد، یک خلاء در اعمال مجازات پیدا می‌شود، زیرا بعضی از کشورها از جرائم که در خاک کشور دیگر ارتکاب می‌یابد خود را بی‌قید نشان می‌دهند و در نتیجه خارجیان گناهکار در آن مسکن گزیدن در این قبیل کشورها از تنبیه و مجازات ایمن می‌گردند، از طرف دیگر استرداد مجرمین در صورتی که مجرم فراری در دادگاه کشوری که در آنجا جرم واقع شده و پیش از هر مرجع دیگر واجد صلاحیت است در معرض قضاوت درآید، در صورتی که اگر مقرر شود در کشوری که مسکن گزیده، جرم صورت گرفته است دادگاه‌های آنجا بواسطه دوری از محل وقوع جرم قادر نخواهند شد حقیقت واقعه و هویت مرتکب را کشف نمایند. (شیخی، ۱۳۹۰)

بی‌شک، نفع کشور تقاضا کننده اقتضاء می‌کند به مقصوری که دستورات عدالت آن کشور را مورد تعرض قرار داده، دسترسی پیدا نماید. همچنین نفع کشور پناهگاه در این است که از شناسایی شخصی که ممکن است در خاک آن نیز مرتکب جرم شود، رهائی یابد. باتوجه به موارد مذکور یکبارگی اهداف مجازات، بازدارندگی و احساس عدم امکان فرار از مجازات می‌باشد و عدالت قضایی ایجاب می‌کند که متهمین و مجرمین فراری در سایر کشورها احساس آسایش و امنیت ننمایند و چنانچه همکاری بین المللی وجود نداشته باشد و بزهکاران بتوانند پس از ارتکاب جرم آزادانه در کشور دیگری زندگی نموده و مصون از تعقیب باشند، عدالت دستخوش هرج و مرج خواهد شد. لذا با احساس چنین ضرورت و نیازی است که مسأله استرداد مجرمین مطرح می‌شود. هر یک از کشورها مقررات و شرایطی را در رابطه با استرداد مجرمین و صلاحیت رسیدگی به جرایم مجرمینی که در سرزمین آن‌ها یافت می‌شوند،

تصویب و اصل استرداد مجرمین را با رعایت اصول و ضوابط و اصل حاکمیت ملی خود می‌پذیرند. بنابراین استرداد مجرمین نتیجه اقدامات قضایی و همکاری های بین‌المللی در مبارزه با بزهکاری می‌باشد. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۱ و ۲: ۱۳۵)

بطور کلی، مبنای استرداد غالباً یا قوانین داخلی و ملی و یا قراردادها و معاهدات بین‌المللی دو یا چندجانبه و یا قواعد عرفی حقوق بین‌الملل می‌باشد. به عنوان یک قاعده عرفی، دولت‌ها باید به حاکمیت ملی همدیگر احترام گزارده و در صورت تعرض به این حاکمیت به هر نحوی از انحاء و از جمله بواطه ارتکاب جرم، بایستی همکاری و معاضدت مناسبی با همدیگر برای دسترسی به ناقضان قوانین و مجازات‌شکنان به عمل آورند. این قاعده امروزه بیش از هر زمان دیگری به اسلوب فکری فرایند استرداد مجرمین تبدیل شده و حتی در قوانین داخلی بسیاری از کشورها هم انعکاس عینی یافته است. مبنای توجهی غالباً به «کمک به اجرای عدالت» و «جلوگیری از بی‌کیفری» می‌باشد. در واقع این عقیده غالب وجود دارد که مقررات استرداد مجرمین به اجرای عدالت کمک می‌کند، زیرا به فرض اینکه متهم یا محکوم به کشور دیگری پناه ببرد، باز نابل تعقیب و مجازات است. بنابراین، بدین وسیله از بی‌کیفری هم ممانعت به عمل می‌آید. (نوربها، ۱۳۸۰: ۴۳)

همچنین، از آنجایی که دولت‌ها برقراری نظم و انضام در جامعه استوار می‌دانند، مبارزه با جرم و جنایت در درون مرزهای یک کشور، از مهمترین موضوعات است. شمار می‌آید و حکومت‌ها برای دستیابی به این اهداف و اعمال مجازات، نسبت به بزهکاران و مجازات‌شکنان سرزمینی بودن جرم، قوانین و مقرراتی را تدوین می‌کنند و به تصویب می‌رسانند. با این که تعقیب مجازات‌بازدارنده علیه مرتکبین جرم برای ممانعت از فرار به کشورهای دیگر و تعقیب کیفری آن‌ها کار گرفته می‌شود، در بسیاری موارد، تبهکاران پس از ارتکاب جرم و قبل از کشف آن، به طرق مختلف فرار از کشوری که در آن مرتکب جرم شده‌اند، مبادرت می‌کنند. هیئت حاکمه طبق اصل لزوم مجازات مجرم، ملزم است براساس قوانین و نظام‌های حکومتی و به منظور صیانت جامعه در برابر جرم و پدیده‌های مجرمانه، این دسته از مجرمان را تحت تعقیب کیفری قرار دهد. در این مرحله از تعقیب کیفری، اعمال قوانین و مقررات استرداد مجرمان و رعایت تشریفات مربوط به آن‌ها، ضرورت می‌یابد تا متعاقب آن پس از استرداد مجرمان به موجب احکام صادره از مراجع قضایی، مجازات مقرر درباره آن‌ها اجرا گردد. انجام این مهم منوط به وجود امکانات لازم برای تعقیب و دستگیری مجرمان در کشوری دیگر و نهایتاً استرداد آن‌ها به خاک کشور متقاضی است. بر همین اساس، اولین طلیعه تاسیس سازمانی که بتواند از

پناه گرفتن مجرمان فراری در گوشه و کنار جهان جلوگیری کند، در افکار جهانی بروز کرد و در سال ۱۹۲۳ کمیسیون پلیس جنایی بین‌الملل جنایی پدید آمد. این کمیسیون بعدها به سازمان پلیس جنایی بین‌المللی تغییر نام یافت. ادارات مرکزی اینترپل در کشورهای عضو نیز به جدیدترین فناوری پلیسی و تعقیب و مراقبت مجهز گردیده‌اند تا تشخیص هویت جانی و بزه‌دیده، با دقت بالایی صورت گیرد و مرزهای آبی، هوایی و زمینی کشورها، برای جلوگیری از فرار مجرمان به کشورهای بیگانه، تحت نظارت دقیق ماموران پلیس قرار گیرد. با این همه، تبهکاران حرفه‌ای، با دستیابی به اوضاع مساعد و بهره‌گیری از فرصت‌ها و اخفا هویت خود، موفق به خروج می‌شوند. لذا تقویت تدابیر نظام‌های حقوقی در این راستا امری بایسته و انکارناپذیر است و خود ضرورت تحکیم مبادی فکری و منطق گزاره‌های رایج استرداد مجرمین را روشن می‌سازد. (محسنی، ۱۳۷۵: ۸۷)

با تمام اهمیتی که برای اهدات استرداد مجرمین ذکر گردید، اما با این حال تصویب آنان با مخالفت شورای نگهبان مواجه می‌گردد، زیرا طبق نظر این شورا، میان برخی از مفاد موافقت‌نامه‌های استرداد، با برخی از مؤلفه‌های شرعی اصول قانون اساسی تعارض و تنافی وجود دارد. به همین دلیل غالب لوایح موافقت‌نامه‌های استرداد مجرمین از سوی این شورا، خلاف شرع اعلام شده و رد می‌گردند. ولی در نهایت با اصرار مجلس شورای اسلامی این لوایح به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده می‌شوند و در آنجا هم عیناً از باب حکم ثانوی، مورد تأیید قرار می‌گیرند. ایرادات شورای نگهبان را می‌توان در دو عنوان بیان نمود: الف: ممنوعیت پذیرش حکم محاکم قضایی کشورهای بیگانه. ب: امکان وقوع سبیل و سلطه در بعضی مسادیق استرداد. به عنوان مثال اگر فرد مسلمانی دارای تابعیت کشور غیراسلامی باشد و در کشور متبوع خود مرتکب جرمی شود، پس از آن برای فرار از مجازات، به کشور اسلامی پناه آورد، طبق قرارداد استرداد مجرمین، کشور اسلامی موظف به مسترد کردن این شخص می‌باشد، در حالی که به ظاهر این عمل با دو مشکل مطروحاً مواجه خواهد بود. به عبارت دیگر باید دانست که بحث استرداد مجرمین به معنای مصطلح در حقوق موضوعه در کتب فقهی مطرح نشده است و اگر هم مطالب مشابهی در این باره به چشم می‌خورد، غالباً ذیل عنوان عقد مهاده بوده، که در بستر جنگ و منازعه مطرح می‌گردد و تفاوت اساسی میان آنان با مسأله استرداد در حقوق جزای بین‌الملل وجود دارد. (نعیم اشرفی، ۱۳۹۷)